

تسب نامه

قسمت سوم

استاد حسن عرفان

۴. درمان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: سافروا تَصِحُّوا؛ سفر کنید تا بهبودی یابید.^۳ و مولوی گفته: تسافروا فتصحوا و تقنموا فرمود به امتان گزینش رسول هر دو سرا سفر، نقش درمانی برای بیماری‌های جسمانی و روانی دارد. امیرمومنان علیه السلام «تفرج هم» را یکی از پیامدهای سفر می‌دانند. بدون تردید بسیاری از سفرها نشاط انگیز و غم‌زد است. نصرالله فلسفی در این باره گفته: سفر آزموده کند مرد را هم از دل براند غم و درد را و بالاخره سفر یک راه گریز از سختی‌هاست. شما در گلستان می‌خوانید: آسیا سنگ زیرین متحرک نیست لاجرم تحمل بارگران همی کند.

۵. دیدن شگفتی‌ها

جهان را دیدنی‌های بسیار است و شگفتی‌های فراوان. دیوار چین، اهرام مصر، برج ایفل و هزاران هزار شگفتی طبیعی و مصنوعی مشتری نگاه مسافران نکته‌آموز است. این اشعار قطران را بخوانید:

شگفت‌های جهان را پدید نیست کران
هر آن شگفت که بینی بود شگفت‌تر آن
اگر شگفتی‌ها بایدت بیوی زمین
وگر عجایب‌ها بایدت بجوی جهان
هر آن گمان که بری در سفر شودت یقین
هر آن خبر که بود در سفر شودت عیان
«ابن بطوطه» به عنوان یکی از عجایب شهر بخارا متذکر می‌شود که بر سنگ قبر علمای بخارا نام آثار و تألیفات آنها را می‌نویسند. او از این روش یادبود علما به شگفت می‌آید و بعضی از آنها را یادداشت می‌کند.^۴

۶. آگاهی از آداب و سنن ملل دیگر

هر ملتی فرهنگ، آداب و سنت‌های ویژه

موعظه‌ها، گشتن در ویرانه‌ها و نگرستن به جایگاه گذشتگان است.^۲

۲. مال‌یابی

امیرمومنان علیه السلام یکی از ره‌آوردهای سفر را «اکتساب معیشه» یعنی مال‌جویی می‌شمارند، و سعدی گفته است:
چه خورد شیر سرزه در بُن غار
باز افتاده را چه قوت بود
تا تو در خانه صیدخواهی کرد
دست و پایت چو عنکبوت بود
و انوری سروده:
سفر مربی مرد است و آستانه جاه
سفر خزانه مال است و اوستاد هنر
و اوحدی راست:
چند در خانه کاه دود کنی
سفری کن مگر که سود کنی

۳. یاریابی

امیرمومنان علیه السلام «صحبہ ماجد» یعنی دست یافتن به دوست ارزشمند را یکی از ارمغان‌های سفر می‌دانند. اساساً گردشگری عامل مؤثر در تعامل فرهنگ‌ها، گفت‌وگوی تمدن‌ها و الفت ملت‌هاست.

دست‌یافت‌های سفر

در فوائد سفر کاتبان بسیار مکتوب فرموده‌اند و شاعران در سفته‌اند و گل گفته‌اند اما می‌توان گل‌ها را دسته کرد و گلدسته و گفت که سفر را چندین فایده است آن چنان که به قلم آید و به رقم:

۱. عبرت‌آموزی

عبرت‌آموزی از سرنوشت قدرت‌های در خاک افتاده، سلطه‌های مرده و دولت‌های از پای درآمده و تمدن‌های ویران گشته از دست‌یافت‌های مهم سفر است. قرآن کریم پیوسته بر این نکته تأکید دارد «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛ آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا در فرجام پیشینیان بیندیشند.»^۱ یکی از حکما گفته است «بلیغ‌ترین



خود را دارد. خبریابی و آشنایی از آنها چه بسا ره‌آوردهای سودمند و دگرگون‌سازی را در پی داشته باشد. مثلاً این بطوطه به بسیاری از عادات هندی‌ها و احوال اجتماعی آنان اشاره دارد و به عنوان مثال یادآوری می‌کند چگونه زنان هند بعد از فوت همسرانشان خود را آتش می‌زنند و چنانچه زنی چنین نکند نزد دیگران به بی‌وفایی، تیره‌بختی و حقارت متهم می‌شود. همچنین از کسانی که خود را به منظور تقرب به معبودشان در رودخانه گنگ غرق می‌کنند یاد می‌کند.

۷. تجربه اندوزی

به قول سعدی:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی
و به مثل گفته‌اند: کباب پخته نگرردد مگر به گردیدن، و خدا رحمت کند سنایی را که گفت:
کودکی در سفر تو مرد شوی
رنجه از راه گرم و سرد شوی
و گفته‌اند: جهان دیدن به از جهان خوردن است، و گفته‌اند: شنیدن کی بود مانند دیدن، و به قول علما؟ «عین‌الیقین» بالاتر از «علم‌الیقین» است و به تعبیر آیت‌الله جوادی: از گوش به آغوش آوردن و از علم به عین رساندن.

۸. گستراندن دین و فرهنگ

یکی از عوامل گسترش یک دین، یک مرام و یک فرهنگ، مهاجرت است. در تاریخ اسلام، مهاجران، دین اسلام را به چین، بالکان، اندونزی، مالزی، هند، و چند منطقه آسیا و دیگر سرزمین‌ها کشاندند. این بطوطه می‌نویسند: هر شهر چین محله‌ای مخصوص سکونت مسلمانان دارد و در آن مساجدی بنا شده است. حکومت مرکزی به حفاظت از تجار مسلمان و اموال آنها عنایت دارد و امرای چین مراقبتند تا گفته نشود که مسلمین در چین زیان دیده‌اند.^۵ و باز گزارش می‌دهد «از معاریف مسلمانی که در چین زیارت کرد خانواده مصری اصلی بود در شهر خنسا که به منزلشان وارد شد. در این مورد چنین گفته است «در خانه فرزندان عثمان بن عفان مصری منزل کردیم. عثمان بن عفان یکی از تجار بزرگ

بود که از این شهر خوشش آمد و آن‌جا اقامت گزید. خانواده‌اش به نام او مشهور گشته و منزلت فراوان یافته‌اند. اولاد او مانند پدر به فقرا احسان و به مستمندان کمک می‌کردند. زاویه‌ای بنا نهاده‌اند به نام عثمانیه که ساختمان زیبا و اوقاف فراوانی دارد. در این شهر مسجد جامعی ساخته و موقوفات بسیاری برای مسجد و زاویه آن اختصاص داده‌اند.»^۶

سفرنامه‌نویسی

مقوله دیگری که باید کاوید داستان سفرنامه‌نگاری است. پیش از گسترش تکنولوژی حمل و نقل و به‌ویژه صنایع الکترونیکی و مخابراتی و تبدیل شدن جهان به یک دهکده، خبریابی از سرزمین‌های دیگر بسیار سخت بود و گزارش سفرنامه‌نویسان نقش مهمی در پژوهش آداب و سنن مناطق دیگر و شناسایی جغرافیایی داشت و اکنون هم با پدیدایی رسانه‌هایی تصویری و شنیداری و با امکان خبریابی لحظه به لحظه باز هم سفرنامه‌ها یکی از منابع پژوهش‌های علمی، تاریخی، دینی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی است. ما با خواندن سفرنامه‌ها با تحولات جغرافیایی و دگرگونی‌های دینی و فرهنگی و... آشنا می‌شویم و این سفرنامه‌ها یکی از ذخائر فرهنگی ملل است.

در قلمرو تاریخ اسلام سفرنامه‌های پیر ثمری نگاشته شد. آقای دکتر «زکی محمدحسن» کتابی نگاشته درباره «جهانگردان مسلمانان در قرون وسطی» و سفرنامه‌های آنان را نیز کاویده است.

این کتاب را آقای عبدالله ناصری طاهری به فارسی درآورده است.^۷ گفتنی است: بسیاری از کتاب‌ها که در شمار سفرنامه‌ها نیست گزارش‌های گردشگری در آن بسیار است همین گلستان سعدی را بخوانید و به این گزارش‌ها بیندیشید:

اقلیم پارس را غم از آسیب دهر نیست

تا بر سرش بود چو تویی سایه خدا

این‌جا داستان حکومت ابوبکر بن سعدین زنگی را در شیراز حکایت می‌کند.

«بر بالین تربت یحیی، پیغامبر ﷺ معتکف بودم در جامع دمشق...»^۸

«در آن قربت مرا با طایفه‌ای یاران اتفاق سفر افتاد چون از زیارت مکه باز آمدم»^۹

«در جامع بعلبک وقتی کلمه‌ای همی گفتم»^{۱۰} ■

پی‌نوشت

۱. یوسف، ۱۰۹.
۲. سید حسین نصر، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، ص ۶۴.
۳. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۲۲۱.
۴. دکتر زکی محمدحسن، ترجمه و پاورقی از: عبدالله ناصری طاهری، جهانگردان مسلمان در قرون وسطی، ص ۱۲۶.
۵. همان، ص ۱۲۷.
۶. همان، ص ۱۳۳.
۷. مرکز نشر فرهنگی رجا آن را منتشر کرده است.
۸. گلستان، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، ص ۷۷.
۹. همان، ص ۹۷.
۱۰. همان، ص ۱۶۲.

